

علوم بلاغت معانی

با شواهد و تمرین‌های قرآنی
قابل استفاده دانشجویان ادبیات عرب، الهیات و حوزه‌های علمیه

تألیف
دکتر قاسم فائز
استادیار دانشگاه تهران



نشر طراوت

فائز، قاسم، ۱۳۳۵ -

علوم بلاغت معانی با شواهد و تمرین‌های قرآنی قابل استفاده دانشجویان ادبیات عرب، الهیات و حوزه‌های
علمیه / تالیف قاسم فائز. -- تهران: طراوت، ۱۳۸۴.
۹۶ ص.

ISBN 964-96502-5-3

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: مغازه ۱۳۸۲.

کتابنامه: ص [۹۱] - ۹۳. همچنین به صورت زیرنویس.

۱. زبان عربی -- معانی و بیان -- راهنمای آموزشی. ۲. قرآن -- مسائل لنوی. ۳. قرآن -- مسائل ادبی. الف. عنوان.

۸۰۸/۰۴۹۲۷

PJA ۲۲۸ / ف ۲۵ ع ۸۴

۸۴-۳۴۳۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

علوم بلاغت

معانی

مؤلف: قاسم فائز

ناشر: طراوت

نوبت چاپ: اول

صفحه‌آرایی: زهرا رمضانعلی

لیتوگرافی: صدف

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: گلرنگ

صحافی: پیوند

شابک: ۹۶۴-۹۶۵۰۲-۵-۳

ISBN 964-96502-5-3

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

تهران: میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام، کوچه کربلا، شماره ۲۸ کد پستی: ۱۱۵۴۹

تلفن: ۷۷۶۵۱۴۱۲ - ۵۸۴۶۱۰۹ - ۰۹۱۲ - ۲۱۱۱۳۴۴ - ۰۹۱۲

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
اقسام کلام (از لحاظ صدق و کذب)	۹
علم معانی	۱۱
خبر	۱۱
اغراض حقیقی و مجازی خبر	۱۲
انواع خبر	۱۴
تمرین	۱۴
انشاء	۱۸
اقسام انشای طلبی و غیر طلبی	۱۹
تمرین	۲۰
امر	۲۵
معانی حقیقی و مجازی امر	۲۷
تمرین	۲۹
نهی	۳۳
معانی حقیقی و مجازی نهی	۳۵
تمرین	۳۶
استفهام	۳۹
معانی حقیقی و مجازی استفهام	۴۱
تمرین	۴۴
تَمَنّی	۴۷
تمرین	۵۰
ندا	۵۳
معانی حقیقی و مجازی ندا	۵۵
تمرین	۵۶
قَضَر	۵۹

۶۱	ارکان و روش های قصر
۶۲	تمرین
۶۳	اقسام قصر به اعتبار واقع
۶۴	تمرین
۶۶	اقسام قصر به اعتبار طرفین
۶۷	اغراض قصر
۶۷	تمرین
۶۹	وَضْل و فَضْل
۷۱	موارد فصل
۷۳	تمرین
۷۴	موارد وصل
۷۵	تمرین
۷۷	اقسام کلام از لحاظ تناسب لفظ با معنی
۷۹	مساوات
۷۹	ایجاز و اقسام آن
۸۰	انواع محذوف در ایجاز حذف
۸۲	اقسام اطناب و فایده هریک
۸۵	تمرین
۹۱	نمونه سؤالات امتحانی
۹۳	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

علم معانی در پرتو قرآن پدید آمده است؛ زیرا که با اعجاز قرآن آمیخته است. علما پی برده‌اند که اعجاز قرآن در نظم آن است؛ در کیفیت این نظم بسیار تحقیق کردند تا این که ادیب و نحوی توانا و ژرف نگر، عبدالقاهر جرجانی، پرچم این علم را به دست گرفت، نقص نحورا بر طرف کرد و نظرهارا به مهم‌ترین بُعد آن یعنی مطابقت با مقتضای حال که اکثر نحویان در بررسی جمله از آن غفلت کرده بودند؛ جلب نمود.

او معتقد بود که کار علم نحو تنها اعراب و بناء آخر کلمات نیست بلکه علاوه بر آن، وظیفه‌اش شناخت "ترتیب کلمات با توجه به معناست". مسائلی مانند: ترتیب کلمات در جمله، اهداف تقدیم و تأخیر، ذکر و حذف، فرق بین بیان یک جمله به صورت اسمیه و فعلیه و غیره. او پی برد که هر مزیتی در تعبیر، به نظم سخن و معانی نحوی آن برمی‌گردد. با وجود ادله و مثالهایی که عبدالقاهر در توضیح نظریه‌اش ذکر کرد، نحویون از آراء و

افکارش استقبال نکردند، تا این که سکاکی شواهد و مثال‌های عبدالقاهر را اصول علمی از علوم بلاغت قرار داد و آن را از علم نحو تفکیک کرد. عبدالقاهر می‌گفت این اصول، معانی نحو هستند ولی سکاکی مضاف الیه را از عنوان «معانی نحو» حذف کرد و آن را «معانی» نامید. موضوع هر دو علم (نحو و معانی) بررسی جمله است و بدون شک جمله‌ای که از لحاظ نحوی درست است، نیازمند مهمترین ویژگی صحت یعنی مطابقت با مقتضای حال و قرائن خروج از مقتضای حال است. اشکالی ندارد که دو علم به بررسی جمله بپردازد، یکی از لحاظ ترکیب نحوی و دیگری از لحاظ مطابقت با مقتضای حال و قرائنی که دلالت بر معانی جدیدی می‌کنند که از سیاق جمله فهمیده می‌شود. این چنین بود که «معانی» به عنوان علمی از علوم بلاغت مستقل شد.

پس این علم به ما می‌آموزد چگونه باید سخن خود را از بُعد لفظی با مقتضای حال، مطابقت دهیم و چگونه الفاظ سخن در صورت وجود قرائن از معنای اصلی خود خارج می‌شوند و معانی جدیدی را افاده می‌کنند.

علم معانی در دو مسأله متجلی می‌شود:

الف. مطابقت سخن با حال شنوندگان؛

ب. مطابقت با زمان و مکانی که سخن در آن بیان می‌شود.

مثلاً یک خبر نسبت به مخاطب سه حالت دارد: حالت اول این است که مخاطب خالی الذهن است و هیچ اطلاعی از مضمون خبر ندارد، در این صورت، حال مخاطب اقتضا می‌کند که سخن، بدون تأکید بیان شود؛ حالت دوم این است که مخاطب چیزی از مضمون خبر می‌داند ولی علمش همراه با شک است و جویای شناخت حقیقت امر می‌باشد. در این صورت، حال مخاطب اقتضا می‌کند که سخن با تأکید بیان شود تا شک او را از بین ببرد؛ حالت سوم این است که مخاطب از مضمون خبر، مطلع و منکر صحت آن است، در این صورت، حال او اقتضا می‌کند که سخن با چند تأکید بیان شود.

اکنون اگر خبری برای مخاطب خالی الذهن با چند تأکید - که مخصوص منکر است - بیان

شود از بلاغت خارج است.

از اصول دیگر علم معانی این است که سخن از لحاظ سبک، متناسب با قدرت فهم و مقدار بهره مخاطب از ادبیات باشد. از این رو، اگر با عامی، ادیبانه و با ادیب، عامیانه سخن بگوییم از بلاغت خارج شده ایم.

مطابقت کلام با مقتضای حال در ایجاز و اطناب نیز متجلی می شود. چون هر یک از این دو شنونده، مکان و زمان خاص خود را می طلبد. مثلاً برای تیزهوش، اشاره کافی است و اشاره، ایجاز را می خواهد و برای کودن یا لجوج، اطناب زیبنده است.

مطلب دیگری که علم معانی از آن سخن می گوید بررسی معانی یی است که به کمک قرائن به طور ضمنی از سخن فهمیده می شود. هر سخن دارای معنای حقیقی یا اصلی است که در آغاز برای آن وضع شده ولی گاهی سخن از معنای اصلی خود خارج می شود تا معنای جدیدی را به ما ارائه دهد که از سیاق و موقعیت ایراد آن فهمیده می شود. مثلاً غرض از بیان خبر، در اصل، بیان پیام آن به مخاطب می باشد و یا بیان این که گوینده از پیام خبر، آگاه است (فایده خبر و لازم فایده). مثل: کان عمر بن عبدالعزیز لا يأخذ من بیت المال شیئاً و یا:

لقد كنت في مطار بيروت أفس.

در مثال اول، هدف، آگاه کردن مخاطب از چیزی که نمی دانسته است ولی در مثال دوم، هدف، آگاه کردن مخاطب از چیزی که نمی دانسته نیست؛ زیرا او خود می داند که دیروز در فرودگاه بوده است. پس مخاطب استفاده ای از مضمون خبر نکرده بلکه استفاده او این بوده که فهمیده تو می دانی که او دیروز کجا بوده است. اصطلاحاً به هدف اول فایده خبر و به هدف دوم لازم فایده گویند.

ولی گاهی سخن از این دو معنای اصلی خارج می شود تا معنای جدیدی را بیان کند که از سیاق جمله فهمیده می شود. مثل سخن ابوفراس:

و مكارمی عَدَدُ النجوم و منزلی
مَأْوَى الكرام و مَنَزِلُ الأضياف

غرض شاعر از این خبر، فایده یا لازم فایده نیست که خبر در اصل برای آنها وضع شده است بلکه غرضش معنای دیگری است که تیزهوش از سیاق کلام می‌فهمد و آن "فخر" است. شاعر می‌خواهد محاسن خود را بیان کند و به آنها بیالذ و افتخار کند.

امید است خواننده محترم با توضیحات و شواهد عنوان شده، به هدف علم معانی پی‌برده باشد.

در پایان، از اهل فن خواستارم تا با تذکر لغزش‌ها بنده رارهن منت خود سازند.

قاسم فائز

پاییز ۸۴